داکتر سید خلیل الله هاشمیان
۱۶ سپتامبر ۲۰۱٤

توضیحاتی به خدمت دو دانشمند محترم افغان

میرمن صالحه وهاب واصل و انجنیر قیس کبیر

مدیون و مرهون کرم و احسان الله تعالی (جل جلاله) استم که بعد از ناخوشی رنج آور چهارماهه باین احقرالعباد توانایی بخشیده تا به خدمت دوستان و مسایل افغانستان برسم.
مقالات دو دانشمند فوق از تاریخ ۶ و ۷ اکتوبر ۲۰۱۴ را که به سایقهٔ حب وطن میخواهند از طریق خدمات کامپیوتری زبانهای بیچارهٔ دری و پشتو را که در میدان افغانستان تنها و بیکس مانده و تحت دستبرد همسایگان ناروادار قرار گرفته اند، معیاری (standardized) سازند، در دو بخش خواندم. این دو دانشمند که هر کدام برای امرار معاش در اروپا مصروفیت های چند جانبه دارند، فداکارانه میخواهند زبانهای ملی ما را به منظور سهل گردانیدن خواندن و نوشتن برای نسل جوان در داخل و خارج کشور طوری در کامپیوتر عیار سازند که از یکطرف مشکلات قدیمی و عنعنوی در نگارش زبانهای ملی مرفوع گردد و از جانب دیگر اصالت زبان های ملی محفوظ بماند. اقدام این دو دانشمند درین مقطع زمان به خاطری قابل تمجید و حمایت میباشد که دولت ایران به دوام تهاجم فرهنگی و مداخلات و انحصار طلبی های همیشگی اش، حقوق ملی و قانونی دری زبانها را در تحت امتیازات زبان فارسی قبلاً از طریق تکنالوجی اطلاعاتی در انحصار خود درآورده است.

ما افغانهای مهاجر با حمایت کامل از مساعی خیرخواهانهٔ این دو دانشمند محترم، آغاز این پروژه را استقبال میکنیم و برای تکمیل آن از هر نوع همکاری در ساحهٔ تجربه و تخصص خود اطمینان میدهیم، و هم برای موفقیت آن دعا میکنیم.
هموطنان محترم! در دو مقالهٔ شما مطالب مفید و مهمی عنوان شده که مستوجب اظهار نظر میباشند. مثلاً به ارتباط نوآوریهای غیر علمی و غیر عملی تعدادی از هموطنان در استعمال (ی) اضافی و (ن) تنوین، شما به موضوع مهم تهاجم فرهنگی ایران اشاره کرده میفرمائید: "تعدادی از هموطنان ما علاوه بر گم کردن راه شان در عرصهٔ سیاست، راه تنویر ادبی و فرهنگی، مذهبی و حتی اجتماعی شانرا هم گم کرده اند، و هم زمانیکه نظر به تهاجم فرهنگی ایرانیان یک روش ادبی بالای ملت ما تحمیل میشود، آنان نظر به تأثیر های مختلف، آگاهانه و یا ناآگاه، این روش را تعقیب میکنند و بعضی از بزرگان ما هم...خود شانرا تسلیم این تجاوز فرهنگی و ادبی نموده، با گفتن اینکه ما در افغانستان چنین اشخاص یا نهاد ها نداریم و ایران درین راه پیشتاز است، خود شانرا برائت میدهند ".
من نظر شما را هم در مورد صرفه جویی حروف (بایت ها) در نگارش و هم به ارتباط بی علاقگی هموطنان تائید و تمجید میکنم و از بی علاقگی و عقب نشینی افغانها بطور انفرادی و هم از دستگاه حکومت افغانستان شاکی و منزجرم- افغانستان از هر چیز به حد کافی برخوردار است، هم قوای بشری تحصیل کرده و مجرب دارد و هم نهاد های باکفایت دارد، اما حکومت خیانتکار افغانستان که از ایران پول و رشوه دریافت میکرد، راه تجاوز فرهنگی و سیاسی ایران را باز گذاشت که در نتیجهٔ آن **"طلوع ها"** طلوع کرد. آن خانمی که در تلویزیون طلوع از ایران معاش میگیرد و ستون نوشته شدهٔ معرفی ولایات را می خواند، این خانم از کلمات (زراعت) و (تولید و تولیدات) نفرت دارد و این کلمات را که به خط جلی در لوحه نوشته شده، هرگز بزبان نمی آورد، بلکه "تولیدات زراعتی" را (فرآورده های کشاورزی) و سرحد را (مرز) میخواند – نطاقان طلوع که اخبار دری را میخوانند، در آغاز اخبار هرگز (اخبار دری) را اعلان نمیکنند و در مسیر اخبار کلمات فارسی ایرانی را به وفرت قنغ میکنند، کلماتی از قبیل چالش (مشکل)، کار شیوه (طرزالعمل) و امثالهم.
اصطلاحات ترکیبی (فرآورده) و (فرا خبر) که (طلوع) از ایران تقلید کرده و بسیار استعمال میکند، هر دو از زاویهٔ دستور زبان غلط و غیر دستوری است: کلمهٔ (فر) که جزءِ اول این اصطلاحات است، در فارسی به معانی مختلف بکار میرود، از قبیل (شوکت و شأن، رفعت، زیبایی، برازندگی) و در عربی (به فتح اول و شدت دوم)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

گریختن معنی دارد. بنابران در فارسی و دری (فرآورده) شوکت آورده، رفعت آورده، زیبایی آورده و برازندگی آورده، معنی دارد، نه تولید. هکذا (فرا خبر) خبر با شوکت، خبر با رفعت، خبر زیبا و خبر برازنده، معنی دارد، ولی در برنامه (فرا خبر) کدام برازندگی به مقایسهٔ سائر برنامه های طلوع دیده نمیشود، به استثنی اینکه جوان بچه ایکه این برنامه را تدویر میکند، با لباس بسیار شیک آخرین مود پاریس و هم با سنگار و آرایش زنانه در روی و موی خود ظاهر میشود. از آنجائیکه کلمات (فرا) و (فراز) در فارسی و دری معنی (پیش، بالا) دارند، میتوان (فرا خبر) را بمعنی (پیش خبر) یا (بالا خبر) قبول کرد، اما برنامهٔ این جوان بچه را از نظر ماهیت آن که اکثر سیاسی و تبلیغاتی میباشد، نمیتوان بحیث (پیش خبر) یا (بالا خبر) قبول کرد؟ زیرا (پیش خبر) یک خبر مهم و فوق العاده میباشد که پیش از اخبار خوانده میشود.
پیشنهاد شما که "نوشته های بزرگان ما باید با یک استندرد نوشته شده باشد که در آینده برای نوآموزان سؤال برانگیز جلوه نکند..." معقول و مفید، اما تطبیق آن به خاطری مشکل است که در افغانستان در نگارش «استندرد» شناخته نشده بود، بنابران نوشته های بزرگان و برازندگان زبانهای دری و پشتو در گذشته، از نظر اسلوب نگارش "هر کله و بر خیال" است. اما سعی و تلاش شما برای رفع این مشکل از طریق معیاری ساختن اسلوب نگارش از ورای کمپیوتر، برای جوانان و نوآموزان بسیار مفید خواهد بود که خدا کند هرچه زودتر میسر گردد.
در پاورقی اخیر قسمت اول مقالهٔ تان، اندیشه و تشویش شما را "از رسانیدن آوای ملت بگوش مسؤولین و مقامات بلند مرتبهٔ حکومتی و آگاهی شان از بزرگترین خطر نابودی زبانهای ما در آیندهٔ نه چندان دور در تکنالوجی اطلاعاتی است..." استقبال و همراهی میکنم. اما حکومت ۱۳سال گذشته یک حکومت بیسواد، فاسد و نوکر اجانب بود. وزیر اطلاعات و فرهنگ که اندوخته هایش زاید از صد ملیون دالر خواهد بود، ابیاتی از حافظ و سعدی را بخورد مجاهدین بیسواد میداد، ولی دروازه های وطن آبائی خود را برای فتوحات فرهنگی ایران باز گذاشته و ازین طریق چوکی وزارت را حفظ مینمود. ایران امتیاز انحصار تکنالوجی اطلاعاتی را برای زبان فارسی در دورهٔ کار و به موافقهٔ همین وزیر بدست آورد و یک ملت ۳۰ میلیونی را ازین نعمت و غنیمت محروم ساخت. خدا کند در کابینهٔ آینده وزیری رویکار آید که معنی "عقیم بودن زبانهای ملی در تکنالوجی اطلاعاتی" و تشویش شما را درک بتواند.
در بحث زبان گفتار و زبان نوشتار (مقالهٔ دوم) من به اجازهٔ شما از جملهٔ ذیل :"...**این زبان نوشتاریست که زبان گفتاری را میسازد." فقط یک کلمهٔ آخر آنرا تبدیل میکنم: "این زبان نوشتاریست که زبان گفتاری را ثبت میکند."**
درین موضوع مناقشات از زاویهٔ علم زبانشناسی پیچیده و زیاد است. مقولهٔ قبول شده اینست که "اگر زبان گفتار نباشد، نوشتار بوجود نیاید." و این نکته موضوع (زبان ملفوظ) و(زبان غیر ملفوظ) را بمیان میکشد. اگر حیات مهلت بدهد انشاءالله تابستان آینده برای بحث روی این موضوعات به اروپا خواهم آمد و به تفصیل صحبت خواهیم کرد.
شما دو دانشمند محترم در برابر این ادعای من که پیرامون معیاری ساختن یک زبان "اولتر باید ساحهٔ آن تشخیص شود، زیرا زبان پدیده ایست با ابعاد مختلف که همه ابعاد آن معیاری شده نمی تواند"، مثالهای از عدم توافق خود را ارائه فرموده اید، از قبیل اینکه: "...زبان کتبی و رسمیات ما در مکاتب و پوهنتون، خود یک زبان استندرد بوده و هنوز هم است، فقط با تفاوت اینکه شاید در آنزمان زیر نام استندرد سازی زبان تنظیم نگردیده بود".
غرض میشود: هر زبان یک لهجهٔ معیاری دارد که بدون استندرد سازی رسمی بحیث لهجهٔ معیاری قبول شده است، مثلاً در انگلستان لهجهٔ (لندن)، در امریکا لهجهٔ (نیویارک)، در ایران لهجهٔ (تهران) و در افغانستان لهجهٔ (کابل) به حیث لهجه های معیاری قبول شده اند- دقت که (لهجه) گفته ام نه (زبان)! بلی، متون درسی که در مکاتب و پوهنتون ها تدریس میشوند و هم مراسلات وزارتخانه های کابل استندرد شده قبول شده میتوانند، اما متون عرایض عریضه نویسان ولایت کابل و محاکم کابل و مراسلات ولسوالی های ده سبز و چهاردهی و علاقداری های استالف و چهارآسیاب و از سائر ولایات افغانستان استندرد شده نیستند. پنجاه سال قبل لهجه های هزاره جات را (هزاره گی) میخواندند، اما از طرز صحبت های برادران و خواهران تحصیل کردهٔ هزاره، بشمول استادان پوهنتون، که از طریق تلویزیونها شنیده میشود، ملتفت میشویم که برادران و خواهران هزاره مطابق به لهجهٔ معیاری کابل صحبت میکنند. این قسمت این بحث به شعبهٔ (زبانشناسی اجتماعی) تعلق میگیرد- این علم طرز تحول دماغ و سلوک انسان را در ماحول مختلف مطالعه میکند: اینکه یک شخص در خانه با پدر و مادر خود چه نوع صحبت میکند، همان شخص در کوچه با رفقای خود چطور صحبت میکند، در مکتب با همصنفان و معلم خود، در اجتماع با مدیر خود،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

با رئیس و با وزیر خود و در محیط در بازار و با پولیس چطور صحبت میکند-این علم هکذا مشکلات کشور های دو زبانه و چند زبانه را مطالعه و راه حل تجویز مینماید.
نکتهٔ دیگر اینست که متون درسی استندرد شده را شاگردان هر ولایت در مکاتب و پوهنتون های خود به لهجهٔ مروج در همان ولایت میخوانند و من این وضع را در ولایات هرات و مشرقی شخصآ مشاهده کرده ام – در سرخرود "کرده اند" را (کردستین) میخواندند. اما طوریکه شما دانشمندان تکنالوجی پیشرفتهٔ کامپیوتری اطمینان داده اید که استندرد سازی زبان در موضوعات لهجه و فولکلور هیچ نوع ممانعتی ایجاد نمیکند، این حقیر که قبلآ از بی کفایتی خود در تکنالوجی کمپیوتری اعتراف کرده ام، از شما متابعت میکنم. اگر من به خاطر نابلدی درین تکنالوجی در بیانات خود به بیراهه رفته باشم، معذرت مرا بپذیرید. اما اینقدر پیشبینی میتوانم که علم زبانشناسی که در حال حاضر۱۳شعبه دارد، بزودی شعبهٔ چهاردهم آن به عنوان:
(زبانشناسی کامپیوتری– Computting Linguistics) مسمی خواهد شد.
هدف شما دانشمندان برای ادغام زبانهای ملی افغانستان در تکنالوجی اطلاعاتی یک هدف پاک خدمتگذاری و خیرخواهی است. انجام اینکار علاوه بر صدها ساعت کار، مصارف مالی هم در بر میدارد که افغانهای مهاجر باید در زمینه داوطلب شوند. حکومت افغانستان هنوز بمعنی این گپ نمی فهمد و اگر سعی شود که وزیر جدید فرهنگ از بابت مزایای این پروژه تنویر گردد، شاید مساعدت دولت نیز میسر گردد.
در خاتمه از شما دو دانشمند محترم و سائر دانشمندان و قلمبدستان افغان احتراماً تقاضا میدارم مرا به حیث یک طالب العلم شناخته با القاب "استاد توانا "و "خدای زبانشناسی" مخاطب نفرمایند- همان لقب (استاد) که در پوهنتون ها داشته ام بسنده است. من از بحر وسیع علم زبانشناسی قطره ای بیش ننوشیده ام- توضیحاتیکه قبلآ ارائه شده، به احترام تقاضای شما بوده و در آینده نیز به خدمت شما قرار خواهم داشت.
با عرض احترام – سیدخلیل الله هاشمیان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ